

از گریه خواهر شهید شیرودی تا روایتی نصفه و نیمه در آسمان غرب



شناسه خبر : ۱۳۹۹۹۸ سه شنبه ۷ فروردین ۱۴۰۳ - ۰۸:۰۵

خواهر شهید شیرودی گفت: تلفنی با آقای کی مرام صحبت کردم و از او تشکر کردم و گفتم: "من در سینما بارها به گریه افتادم و بازی شما مرا به یاد برادرم انداخت."، حسّم را به او گفتم و از او قدردانی کردم.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، شهید علی اکبر شیرودی از شهدایی است که کمتر کسی هست که با نام او آشنا باشد اما از رشادت‌هایش چیزی نداند، اما آن قدر که این خلبان شهید جایگاه ویژه‌ای در جنگ تحمیلی و جنگ با ضدانقلاب در کردستان، دارد از او کمتر سخن گفته شده است. امسال به بهانه پخش فیلم «آسمان غرب» در جشنواره فجر سال ۱۴۰۲ با خواهر این شهید عزیز گفت‌وگو کردیم و خواستیم نظرش را در خصوص این فیلم بیان کند.

این خواهر شهید می‌گوید: وقتی که در ایام جشنواره از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دعوت شدیم برای دیدن

فیلم، حال عجیبی داشتم. وقتی هم شنیدم چند فیلم جشنواره به معرفی شخصیت شهیدانی چون زین الدین، احمد کاظمی و... پرداخته است بیشتر خوشحال شدم، پرداختن به شهدا برای خانواده‌هایشان خیلی مهم است.

وی با بیان اینکه برای ساخت اثر با هیچ کدام از 5 خواهر شهید صحبت نشده بود، اضافه کرد: البته با همسر و دوستان شهید مشورت‌هایی شده بود و باید بگویم البته برهه‌ای از زندگی شهید که در فیلم نشان داده شد به خاطرات ما با هم مربوط نمی‌شد و بیشتر به زمان جنگ علی‌اکبر پرداختند.

خواهر شهید شیرودی افزود: وقتی این فیلم را در سینما دیدم متوجه برخورد خیلی خوب مردم بعد از تماشای «آسمان غرب» شدم و همه شروع کردند به دست‌زدن و دیدم با دیدن برخی از تصاویر فیلم واقعاً به وجد می‌آمدند.

وی با اشاره به ایفای نقش شهید شیرودی توسط میلاد کی‌مرام نیز گفت: کسی که نقش علی‌اکبر را بازی کرد خیلی خوب بود؛ غیرت، شجاعت، رحم و مروت این شهید را به‌خوبی به تصویر کشید و من شخصاً از آقای کی‌مرام تشکر می‌کنم.

این خواهر شهید ادامه داد: آن چیزی که برایم مهم است پرداختن به قهرمانان واقعی است، آن هم در حالی که دنیا قهرمانان پوشالی دارند و با آنها فرهنگ غلط خود را صادر می‌کنند.

وی با بیان اینکه جوانان باید بیشتر قهرمانان خود را بشناسند، خاطرنشان کرد: شاید کم‌وکاستی‌ای در فیلم وجود داشته باشد اما به‌طور کلی اتفاق خوبی بود.

خواهر شهید شیرودی گفت: من خودم دوست داشتم برای جوانان این قسمت زندگی برادرم هم به تصویر کشیده می‌شد، که او موقع آغاز جنگ کجا بوده و چه می‌کرده است؟ علی‌اکبر در وضعیتی که دو سال درگیر جنگ کردستان بود، تمام مرخصی‌هایش را تنظیم می‌کرد که زمان برداشت محصول به کمک پدرم بیاید و در زمین شالی یاری‌اش دهد، آن زمان من مجرد بود و یادم هست او مشغول کشاورزی بود که خبر دادند جنگ ایران و عراق آغاز شده است. برادرم با همه مشغله‌هایش از خانواده و کمک به والدین دریغ نمی‌کرد.

وی با اشاره به اینکه شیرودی یک زندگی چندبعدی داشت، اضافه کرد: نمی‌شود در دو ساعت شخصیت او گنجانده شود، چرا که علی‌اکبر یک ارتشی یا یک خلبان صرف نبود، بارها دیدم وقتی به مرخصی می‌آمد علاوه بر کمک به پدر، در سطح شهر سخنرانی می‌کرد و برای مردم شهرستان روشنگری می‌کرد. او از خیانت‌های بنی‌صدر می‌گفت و از عملیات‌ها تعریف می‌کرد، کومله و دمکرات را می‌شناساند، برادرم در واقع یک روحانی، یک سپاهی بود و یک بسیجی بود

که پرداختن به زندگی او سرپای می‌طلبد.

این خواهر شهید ادامه داد: وقتی شهید آیت الله اشرفی اصفهانی امام جمعه وقت کرمانشاه از علی اکبر می‌خواهد سخنران پیش از خطبه‌ها شود، او می‌گوید: "من تا جمعه هفته بعد زنده نیستم"، و تا این قدر به مرگ آگاهی رسیده بود، شهید اشرفی اصفهانی با شنیدن این حرف برایش دعا می‌کند و چهارشنبه همان هفته برادرش به شهادت می‌رسد.

وی بیان می‌کند: شهید شیروودی علاوه بر جنگیدن با هلیکوپترش مجروحین را هم به عقب می‌برد و همان‌جا آستینش را بالا می‌زد، چون گروه خونی‌اش «O» بود به همه خون می‌داد، یک روز سه بار خون داده بود و لقب بانک خون گرفته بود، گفته بودند: "دیگر از شما خون نمی‌گیریم"، اما او گفته بود: "نمی‌توانم بسیجی‌ها و سپاهی‌ها را ببینم که شهید می‌شوند".

خواهر شهید شیروودی گفت: پیش از دیدن «آسمان غرب» دوست داشتم دو صحنه از زندگی او در فیلم باشد، یکی از صحنه‌ها را البته نمی‌شد بنابه دلایلی کامل پخش کرد، چون با فرماندهاش مخالفت می‌کند و وقتی می‌بیند سربازان از ترس پادگان را تخلیه می‌کنند (که تا اینجا در فیلم پخش شد) شیروودی می‌گوید: "هر که برود با راکت او را می‌زنم"، که این قسمت و این را که چرا از فرمانده تبعیت نکرد، پخش نکردند.

وی ادامه داد: صحنه دیگر که به خوبی نمایش داده شد آنجایی بود که علی اکبر با هلی کوپترش بلند شد در حالی که مهمات نداشت و رفت بالای سر ماشین دشمن و با اسکیت هلی کوپتر ماشین را پرت کرد داخل دره، یادم هست وقتی پخش شد همه جمعیت حاضر در سینما بلند شدند و شروع کردند به دست زدن و تشویق کردن او، در این لحظه شجاعت او بود که خوب به تصویر کشیده شد.

خواهر شهید شیروودی در پایان گفت: تلفنی با آقای کی‌مرام صحبت کردم و از او تشکر کردم و گفتم: "من در سینما بارها به گریه افتادم و بازی شما مرا به یاد برادرش انداخت"، حسم را به او گفتم و از او قدردانی کردم.

انتهای پیام/+

انتهای پیام/

